

امداد آب
۱۲۲

آلو، آلو...

مامان ریزه می خواست ظرف بشوید، آب نبود.
بابا ریزه می خواست دستش را بشوید، آب نبود.
ریز میزه، تشنه بود. می خواست آب بخورد، آب نبود.
مامان ریزه رفت توی کوچه تا ببیند همسایه ها آب دارند یا نه.
یک دفعه دید کوچه پر از آب شده. آب از زمین فواره می زد.
مامان ریزه داد زد: «وای... لوله ی آب ترکیده!»
بابا ریزه هول شد و به کوچه دوید.
ریزه میزه با خودش گفت: «حالا باید چه کار کنیم؟»
تلفن صدا زد: «بدو ریزه میزه، چاره ی کار رو میزه.»
ریزه میزه فوری رفت سراغ تلفن و شماره گرفت: **۱۲۲**
-آلو، آلو... امداد آب؟ لوله آب کوچه ی ما ترکیده.
زود زود بیایید!

● مهری ماهوتی
● تصویرگر: شیوا ضیایی